

حقوق بين الملل عمومي ۱

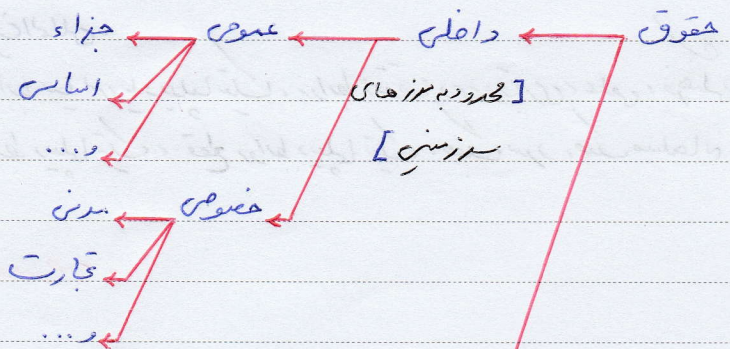
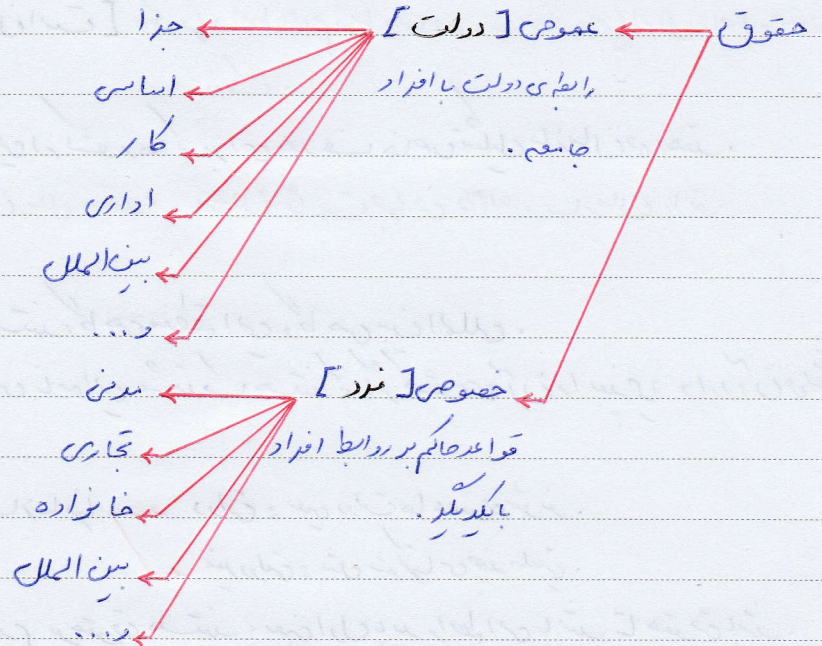
گرد آورنده: محمدامين شريفى

استاد: دكتور اندرزگو

حقوق بین الملل ۱

کانون حقوق : تنظیم رابط در اجتماع [تأسیس کنده نظم اجتماع]

مباحثه حقوق بین الملل :



عمومی : تنظیم کنده روابط کشورها است .
خصوصی : حقوق فرد که یک عضو بین المللی در آن وجود دارد .

مثل بد طلب ایران باید طلبی چنین خانم ازدواج کند که در صورت طلاق باید طبق قانون ایران باشد یا نه ؟

جامعه بین المللی: اهمیتی است که از جمله آن هم مبتنی بر منافع مشترک و نیازهای متقابل کشورها بوجود آمده است.

نوع بین المللی: مجموعه قواعد و ارکان های حاکم بر مناسبات میان اعضای جامعه بین المللی [اعم از زمان است] مثل نهاد اصل عدم توسل به زور، سازمان بین المللی، اصل حقوق مشترک.

سازمان بین المللی: مجموعه این کشورها که برای هدف خاص تشکیل سازمان می دهند. مثل سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی، WTO، سازمان ناآه.

نقد:

گاهی این سازمانها جانز هستند، گاهی منطقه ای و گاهی بین المللی. این سازمانها دارای اساس نامه این مستند هستند که اکثر کشورها آن را بپذیرد و در آن می شود

تایید حق بین المللی:

- ۱- کشورها
- ۲- سازمانها ← دولتهای عضو می شوند.
- ۳- افراد [حقوق بشر] ← غیر دولتهای مثل شرکتها می چند ملت.

روابط بین المللی: روابط مقدم بر حقوق هستند، یعنی اول باید رابطه این باشد تا حقوق باشد.

حقوق بین المللی: تنظیم کننده روابط بین المللی.

انواع روابط ← دوستانه: مثل روابط سیاسی یا دیپلماتیک، روابط اقتصادی و تجاری، علمی، فرهنگی. خصمانه: گاهش روابط دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک، جنگ سرد، جنگ مسلحانه.

تشیقات حقوق بین المللی عمومی و خصوصی:

۱) اشتراک در بین المللی بودن

۲) اشتراک در منابع: یعنی برخی از منابعی که حقوق بین المللی عمومی و خصوصی استفاده می کنند مشترک است مانند معاهده استر داد محبین بین دو کشور.

۳) اشتراک در مرجع رسیدگی: یعنی هنگامی که دعوائی پیش می آید، در حقوق خصوصی به دادگاه

خصوصی رجوع می شود اما در حقوق عمومی به دادگاه بین المللی؛ اما

گاهی مرجع این دو حقوق دادگاه بین المللی است.

افتراقات حقوق بین الملل عمومی و خصوصی :

- ۱) اختلاف در موضوع : موضوع حقوق بین الملل عمومی دولتهاست اما موضوع حقوق بین الملل خصوصی افراد است.
- ۲) اختلاف در منابع و حقوق داخلی منبع حقوق بین الملل خصوصی است.
- ۳) اختلاف در مبانی : در حقوق بین الملل عمومی اراده و رضایت حین کشور لازم است اما در حقوق داخلی اراده می بین کشور لازم است.
- ۴) اختلاف در مرجع رسیدگی : مرجع رسیدگی حقوق بین الملل خصوصی دادگاه داخلی است و مرجع رسیدگی حقوق بین الملل عمومی دادگاه بین المللی است.
- ۵) اختلاف در ضمانت اجرا و ضمانت اجرا در حقوق بین الملل خصوصی قوی تر و کاملتر است برخلاف ضمانت اجرا حقوق بین الملل عمومی.

تعریف حقوق بین الملل :

مجموعه قواعد و مقررات لازم الاجرا است که ناشی از روابط بین الملل و تنظیم کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین المللی.

در حقوق بین الملل ۲ قلمرو وجود دارد :

- ۱) قلمرو عام : منظور قواعدی است که در جامعه بین المللی قابل اجرا است یعنی تمام کشورها یا اکثریت کشورها آن را رعایت می کنند.
ویژگی قلمرو عام : باید تمام کشورها آن را رعایت کنند یعنی نباید آن را نقض کنند اصل عدم توسل به زور در حل اختلافات.
- ۲) قلمرو خاص : قواعدی که بین چند کشور یک منطقه قابل اجرا است مثل معاهده اسلامی که کشورهای غیر اسلامی از آن خارج هستند پس فقط نسبت به کشورهای اسلامی الزام آور است.

نکته :

گروهیوس بنیان گذار حقوق بین الملل است که او را پدیر حقوق بین الملل می نامند.

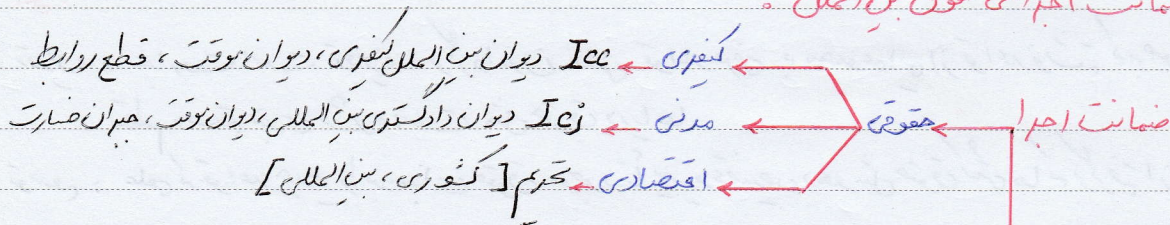
ناضان حقوق بین الملل:

- ۱- حقوق بین الملل مسأله سیاسه است: چون در روابط بین المللی قدرت منشأ رابطه است بین حقوق بین الملل معنای ندارد.
- ۲- حقوق ضمانت اجرائی خواهد بود: یعنی حقوق بین الملل ضمانت اجرائی ندارد بین حقوق بین الملل حقوق است.
- ۳- حقوق بین الملل فاقد ارکان عالی اعتبار است: یعنی در آن قدرت قانون گذاری، قدرت اجرائی و قدرت قضایی وجود ندارد.
- ۴- منافع کشورها با حقوق بین الملل در تضاد است: یعنی اگر نخواهد حقوق بین الملل تأمین شود منافع برخی کشورها از بین می رود زیرا کشورها به دنبال منافع بیشتر هستند و دنبال قدرت بیشتر هستند که این با حقوق بین الملل در تضاد است.

طرفداران حقوق بین الملل:

- ۱- مقایسه حقوق بین الملل با حقوق داخلی است زیرا:
 - الف- حقوق داخلی تحول و تکامل خود را طی نموده است و کن حقوق بین الملل حقوق نوپا در مراحل اول تکامل است.
 - ب- حقوق داخلی حقوقی است که بر اساس تقویت و فرمان برداری استوار است اما حقوق بین الملل حقوقی برخاسته از همکاری و مشارکت است.
 - ج- حقوق داخلی از حیث ساختار حقوقی و مبانی و منابع با حقوق بین الملل قابل مقایسه نیست، مثلاً در حقوق داخلی عرف کاربرد زیادی ندارد برخلاف حقوق بین الملل عمومی.
- ۲- قبل از اینکه قاضی و قانونگذار وجود داشته باشد حقوق وجود داشته است زیرا:
 - رویه های عرفی به این صورت بوده است یعنی ابتدا شرایط ذاتی حقوق نسبت به هر چند که لازمی آن است در جوامع داخلی منشأ اعتبار قانونگذار است که در حقوق بین الملل این منشأ اعتبار وجود دارد که آن اراده و توافق کشورها است.
- ۳- بخاطر اجتناب از محدودیت منفعت بیشتر حقوق بین الملل رعایت می شود.

ضمانت اجرای حقوق بین الملل :



نکته:

تصور حقوق بین الملل تصویب آن است.

ضمانت اجرای حقوق خاصه: [مشور سازمان ملل متحد]

۱) تدابیر انضباطی: الف - محدودیت از مزایا و حقوق سازمانی

ب - تعلیق حق رأی

ج - اخراج از سازمان

۲) تدابیر تقبیحی: شورای امنیت و مجمع عمومی از الفاظی مانند باعث تأسف است، تقبیحی اند، محکوم می نماید استفاده می کند.

۳) تدابیر توصیفی: مصوبات مجمع و شورا

۴) تدابیر الزام آور: تقسیمات شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور

عوامل مؤثر در توسعه و تدوین حقوق بین الملل:

عوامل غیر حقوقی: عوامل تاریخی و قواعد عرفی در حقوق بین الملل است.

عوامل جغرافیایی: جغرافیا، زبان و سایر در حقوق بین الملل نقش داشته اند مثل تعیین مرزها

عوامل سیاسی: حوادث در دیدارها، سیاسی مثل جنگهای جهانی

عوامل علمی و فنی: مثل ماهواره ها، تجارت الکترونیک

نکته:

تدوین و عبارت است تدوین و برگرداندن علمی قواعد عرفی به مجموعه ای از قواعد نوشتاری که به صورت منظم دسته بندی شده است مثل حقوق دریاها .
توسعه : علمی که قواعد جدید را بر سبای حقوق موجود تأیید و تخصیص دهد مثل حقوق کشتی ها که برگرفته از حقوق دریاها است .

عوامل حقوق و

- ۱- اقدامات حقوق دانان [دکترین] و نهادهای حقوقی بین المللی : کمسیون حقوق بین الملل که یکی از آن نهاد است دارای ۳۴ حقوق دان بین المللی است . هر عضو این کمسیون به مدت ۵ سال عضو می باشد ، این ۳۴ نفر با بر خاندیده تمدن های بزرگ بشری باشند .
این ۳۴ نفر از تمام مناطق جهان جمع آوری می شوند و دارای شخصیت بین المللی هستند .
۳۴ نفر به این صورت انتخاب می شوند : کشورها ، افراد ، معروض به کسوف و دیگر کل افرادی را انتخاب می کند و به مجمع عمومی معروض می نماید و طبق رأی مجمع عمومی این افراد انتخاب می شوند .
- ۲- اقدامات سازمانها و کشورهای بین المللی مثل یک معاهده ای سرزنی که بین چند کشور امضاء می شود .

مهم ترین وقایع بعد از جنگ جهانی دوم

- ۱- تبدیل جامعه ملل به سازمان ملل
- ۲- سد آتش در بلوک شرق و غرب [آمریکا و غرب ، شوروی و شرق]
- ۳- جنگ سرد بین شرق و غرب [توسعه به همه ای]
- ۴- بیداری در آسیا و آفریقا و استقلال طلبی آنها
- ۵- آزمون های هسته ای
- ۶- اعلام موجودیت جمهوری خلق چین
- ۷- متحد فلیطن و تأسیس رژیم اشتراکات
- ۸- تأسیس گروه کشورهای غیر متعهد [سازمان غم]
- ۹- اسبیت اروپا که بعد از جنگ های سلیبی آغاز شد
- ۱۰- تأسیس اتحادیه اروپا
- ۱۱- تأسیس سازمان همکاری اسلام [بعد از آتش زدن مسجد الاقصی توسط رژیم اشتراکات]

- ۱۲ - افزایش سازمانهای بین المللی
- ۱۳ - از ممالک نظام های سوسیالیستی و مارکسیستی
- ۱۴ - وحدت گرایان کشورها مثل بین شمالی و جنوبی که با هم متحد شدند
- ۱۵ - جدایی طلبی سزومین های مثل بحرین از ایران
- ۱۶ - لغو آیتاماد [از بین رفتن نژاد پرستی]
- ۱۷ - ترکان کُردی و بیلیجات های آسیای غربی در ایران
- ۱۸ - بحران های حاد بین المللی مثل جنگ های سومالی
- ۱۹ - تأسیس دادگاه های بین المللی [هم کنفرانس و هم حقوق]
- ۲۰ - جنگ های سرد منطقه ای و بین المللی

مبانی حقوق بین الملل :

ملکیت حقوق طبیعی یا فطری : حقوق مجموعه قواعد است مبتنی بر عقل و فطرت آسمی که در روابط میان افراد بدون رعایت قدرت های اجتماعی الزامی است.
این قواعد که ثابت و تغییرناپذیرند جنبه عام جهانی داشته و کشورها در روابط متقابل ملحق به رعایت آنها هستند.

ملکیت اصالت اراده یا اراده گرایان و حقوق بین الملل جدا و مستقل از حقوق طبیعی است و تا حدود زیادی در حالت ابطال و یا عملی دارد یعنی بر مسائل عملی و رویه های جاریه یا رفتار عمومی کشورها تأکید کمتری کند به بیان دیگر حقوق سلفه ای اراده بشری است.

ملکیت اصالت عین یا عین گرایان : بنیاد قواعد حقوقی هم از داخلی یا بین المللی خارج از اراده بشری و مستقل از اراده ای خاص کشورها است. نیز در الزام آور بودن قواعد حقوقی را باید در خارج از اراده دانست.

موقعیت حقوق داخلی در حقوق بین الملل :

- ۱) حقوق داخلی مشخص کننده مواضع حقوق کشورها در جامعه بین المللی است.
- ۲) حقوق داخلی نقش مهمی در ایجاد روح بین المللی و عرف بین المللی دارد.
- ۳) اصول کلی حقوقی مشترک میان نظام های حقوقی کشورها معلوم است به حقوق بین الملل انتقال یابد. مثل اصل وفای به عهد ، اصل انصاف ، اصل عدالت ...

۴) بسیاری از بین‌ها، فنون در روش‌ها و نژادها، حقوق داخلی به حقوق بین‌الملل تشریح یافته است.
مثل پارلمان، دادرس‌های بین‌المللی

۵) حقوق داخلی در مواردی موضوع احاطه حقوق بین‌الملل واقع می‌شود. مثل تعیین مقامات صلاحیت دار
برای انعقاد قرارداد.

۶) حقوق داخلی هر کشور در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی تحت شرایط خاص می‌تواند به محل حقوق یک جانبه
بین‌المللی تبدیل شود.

۷) قواعد حقوق داخلی شاهده است بر رعایت یا عدم رعایت حقوق بین‌الملل. مثل قواعد داخلی برای
ساخت صلاحیت است.

موقعیت حقوق بین‌الملل در حقوق داخلی :

۱) هر کشوری که به نوعی ملتزم به تعهدات بین‌المللی می‌گردد باید در اسرع وقت طبق حقوق داخلی خود مقررات
یا قوانین مناسبی جهت ایجاد زمینه‌های اجرای آن تعهدات در کشور خود وضع کند.
مانند سازمان تجارت جهانی WTO

۲) امروزه تعداد قابل توجهی از کشورها در حقوق داخلی خود حقوق بین‌الملل را به اشکال مختلف مورد
شناسایی و پذیرش قرار داده اند چه به عنوان قواعدی برتر از قواعد خود (آلمان) چه در سطح قواعد
داخلی خود (ایران).

۳) برخی از دادگاه‌های داخلی کشورها در مواردی حقوق بین‌الملل را مستقیماً مستند احکام و آراء خود
قرار می‌دهند.

۴) در حقوق داخلی برخی از کشورها حقوق بین‌الملل موضوع احاطه مستقیم حقوق داخلی قرار گرفته
است و در قواعد داخلی صرفاً به حقوق بین‌الملل ارجاع داده می‌شود.

منااسبات بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل :

۱- درگانگی حقوق : حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی برابر مستقل و مجزای از یکدیگر اند
که هر کدام دارای اعتبار و خصوصیت الزامی اگر بوده و هرگز باهم مخلوط نمی‌شوند.

- زیرا : الف - مبانی حقوق داخلی و بین‌الملل باهم متفاوت است.
- ب - تابعان آنها باهم متفاوت هستند.
- ج - ساختار قواعد و پذیرش قواعد باهم متفاوت است.

۲- بگانه حقوقی؛ نظام حقوق داخلی با حقوق بین الملل یکی است زیرا هر دو مجموعه‌ای هستند که حقوق متعلقه هستند که از اصل تبعیت گرفته شده است.

بگانه حقوقی ← بگانه حقوقی با برتری حقوق داخلی به (حقوق بین الملل گرفته شده از حقوق داخلی است و یک حقوق عمومی خارجی است که به قواعد حقوق داخلی بستگی دارد.

۱) از حیث تاریخ حقوق داخلی مقدم بر حقوق بین الملل است.

۲) از حیث ساختار حقوق در حقوق داخلی اقتدار و رکن قانون گذار وجود دارد اما در حقوق بین الملل فاقد یک رکن فزاکتوری است.

۳) از حیث برتری قانون اساسی بر تعهدات بین المللی زیرا قانون اساسی هر کشور تعیین می‌کند که مقامات صلاحیت دار برای انعقاد معاهدات بین المللی کدام است.

بگانه حقوقی با برتری حقوق بین الملل؛ (۱) حقوق بین الملل است که کشورهای اهانز عنوان کشوری می‌کند.

۲) این حقوق بین الملل است که با تهدید حاکمیت کشورهای محدود و صلاحیت آنها را مشخص می‌کند.

۳) مقررات حقوق داخلی توسط حقوق بین الملل از زیاده می‌شود و نظریه‌ی مسئولیت

بین المللی کشورها استناد به قواعد داخلی را برای رفع مسئولیت نمی‌پذیرد.

۴) هدف هر دو یکی است (سعادت انسان) ولی سعادت تمام بشر مهم تر از سعادت مردم یک کشور خاص است.

یعنی حقوق داخلی به دنبال سعادت مردم کشور است و حقوق بین الملل به دنبال سعادت مردم تمام کشورهاست. حقوق بین الملل مهم تر است.

۵) نیازها و مقتضیات جامعه بین المللی بر جامعه داخلی برتری دارد لذا حقوق بین الملل از حقوق داخلی مهم تر است.

۶) حقوق بین الملل در رابطه با ایجاد یا انحلال کشورها قواعدی دارد و رعایت

کشورها در هنگام بجزان معای سیاسی داخلی به دست حقوق بین الملل است.

رویه قضایی بین المللی (رویه عملی) مؤید برتری حقوق بین الملل بر حقوق داخلی است.
در نظام حقوق ایران ذکر شده که حقوق داخلی با حقوق بین الملل مساوی هستند.
نتیجه اینک: بحث برتری حقوق بین الملل بزرگتر شده است چه از لحاظ یگانگی و چه از لحاظ دوگانگی زیرا
شرط لازم حقوق بین الملل برتری حقوق بین المللی است و برتری آن باعث ضمانت اجرا
پوشش و شورا.

منابع حقوق بین الملل:
دیوان الگو خواهد انشاء رأی کند و دعوی را ختم کند از این منابع استفاده می کند:

- ۱- معاهدات بین المللی اعم از عمومی و خصوصی
- ۲- عرف بین المللی
- ۳- اصول عمومی حقوق
- ۴- تصمیمات قضایی
- ۵- دکترین (نظر دانشمندان معروف حقوق بین الملل)
- ۶- اصل انصاف

سلسله مراتب منابع حقوق بین الملل:

بیان شده معاهدات، عرف و اصول دارای یکی درجه ی بسیار هستند ولی معمولاً قضات اول از معاهدات شروع می کنند.

قواعد آموده: قواعدی که بر تمام این منابع مقدم هستند مثل اصل وفای به عهد، اصل حسن نیت، اصل منع توسل به زور.

سکه تعریف برای معاهدات:

- ۱) از دیدگاه عرف: عبارت است از هرگونه توافق منعقد میان تابعان حقوق بین الملل به منظور حصول آثار حقوقی معین طبق مقررات حقوق بین الملل.
- ۲) از دیدگاه عهدنامه وین: به معنای توافق بین المللی است که میان کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل می باشد اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط باهم آمده باشد قطع نظر از عنوان خاص آن.
- ۳) از دیدگاه جامع: معاهده هرگونه توافق منعقد کتبی میان اشخاص شخص حقوقی یا تابعان حقوق بین الملل است به شرطی که طبق مقررات حقوق بین الملل تنظیم شده و این مقررات

بر آن توافق عالم باشد و آثار حقوقی معینی را بر ایام آورده
نظیر:

معاهده میان افراد کشورها یا یک کشور با یک طرف خارجی معاهده سنت بلکم معاهد بین کشورها یا کشور با سازمانها است.

عناوین دیگر معاهده: عهدنامه / قرارداد / کنوانسیون / منشور / میثاق / پیمان و تکرار
سنت معاهده با توافق بین المللی:

عموم و مخصوص مطلق است [هر معاهده ای توافق بین المللی است]

توافقات بین المللی که خارج از حقوق بین الملل هستند:

۱) توافقات منعقد شده میان تابعان حقوق بین الملل که طبق مقررات حقوق بین الملل تنظیم نشده باشند و حقوق بین الملل بر آنها حاکم نباشد.

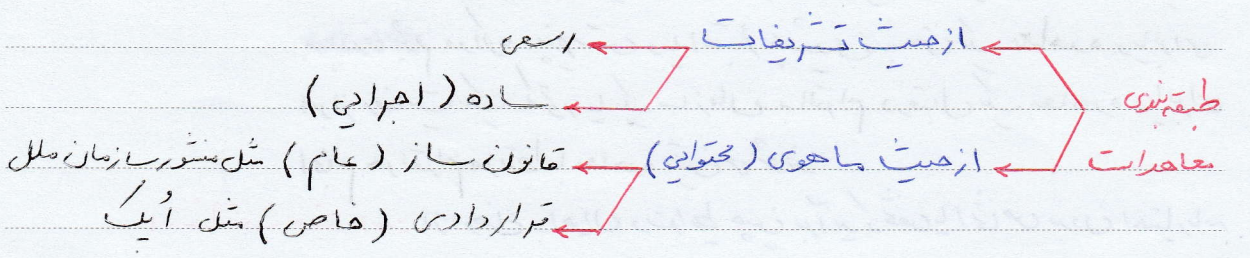
۲) توافقات میان تابعان حقوق بین الملل از یک طرف و نهاد های غیر دولتی از طرف دیگر و سازمان های غیر دولتی مثل سازمان عفو بین الملل یا پزشکان بدون مرز و حال آنکه یک کشور یا این سازمانها قرارداد ببندد معاهده ای بین المللی محسوب نمی شود.

۳) توافقات میان تابعان حقوق بین الملل و اشخاص خصوصی خارجی مثل ایران با تاجر چینی (فرد خاص حقیقی) باشد یا حقوق غیر دولتی اما اگر حقوق دولتی باشد معاهده است []

۴) توافق میان کشورها از یک طرف و دولت ها یا ایالت های یک کشور از طرف دیگر.

۵) توافق میان تابعان حقوق بین الملل و نهضت های آزادی بخش مثل قرارداد ایران با جاس یا حزب ...

۶) موافقت نامه های نزاکتی (اخلاقی) . ۵ مورد طبق ماهیت حقوقی دانسته می شوند ولی این مورد صرفاً ماهیت سیاسی داشته و افلاقی است . مثلاً دو کشور بیاینه مشترک می دهند و می گویند عقاید مشترک داریم .



رسمی و معاهداتی که دارای تشریفات قانونی پیچیده و طولانی است
ساده: معاهداتی که به صورت ساده و سریع است. [تشریفات خاصی ندارد]
قانون ساز: معاهداتی که باعث ایجاد قانون می شود. یعنی متضمن قواعدی است که بر مبنای حقوق بین المللی
عام را بیان می کند.

تکرار داری: بین دو کشور ایجاد می شود و برای منافع خاصی نوشته می شود.

ویژگی های معاهدات قانون ساز:

- ۱- باعث قواعد حقوق بین المللی هستند
 - ۲- متضمن قواعد اساسی است
 - ۳- رعایت آن برای همه کشورهای مهم است و از معاهدات عمده و غیر معاهد لازم الاجرا است
 - ۴- معمولاً معاهدات قانون ساز چند جانبه هستند
- ۴- اکثر معاهدات در لغز این های جهانی
برپه مجمع عمومی سازمان ملل تنظیم می شود.

این اتفاق معاهدات (تشریفات شکلی معاهدات):

۱) مذاکرات: مقدمه ای ترین مرحله ای معاهده مذاکره است ضمن اینکه هر گفتگوی کاری مذاکره

نیست. مذاکره علاوه بر اینکه یک علم است یک فن هم هست.
مذاکره شامل کلیه مکاتبات و مبادله ای یادداشت ها و حتی تماس های تلفنی نیز می شود.
مذاکره مرهه ای است که طی آن خواسته ها و موقفت کشورهای یا سازمان های بین المللی که
بایک به اتفاق معاهده هستند در حضور نمایندگان آنها مطرح می شود تا مسائل مورد توافق
طرفین مشخص گردد.

شرکت کنندگان در مذاکره: کسانی که می خواهند در مذاکره شرکت کنند باید یک اختیارنامه داشته
باشند.

اختیارنامه: سندی است که از سوی سرجمع صدامت دار یک کشور یا سازمان بین المللی صادر

می شود و به موجب آن شخص یا اشخاص به عنوان نماینده کشور یا آن سازمان بین المللی
جهت انجام مذاکره پذیرش و یا اعتبار بخشیدن به متن یک معاهده و یا برای
ابراز رضایت یک کشور یا یک سازمان به التزام در مقابل یک معاهده و یا برای
انجام هر اقدام مرتبط با معاهده تعیین می شوند.

استثنای اختیارنامه: از وضع و احوال و شرایط چنین بر آید که شخص یا اشخاص بدون اختیارنامه

در معاهده شرکت کنند.

افراد مستثنی از اختیاریان

- ۱) رؤسای کشورها، رؤسای دولتها (دختر وزیر)، وزیران خارجه
- ۲) رؤسای مأموریت های دیپلماتیک جهت قبولی متن معاهده میان کشور فرستنده و پذیرنده.
- ۳) نمایندگان کشورها در یک کنفرانس بین المللی جهت پذیرش متن
- ۴) نمایندگان آکادمی کشورهای نزدیک سازمان بین المللی یا یکی از ارکان آن جهت پذیرش متن یک معاهده.
- ۵) رؤسای دلس هیئت های دیپلماتیک کشورها نزد سازمانهای بین المللی جهت قبولی پذیرش متن یک معاهده بین المللی.

۲) **نقائص و اوضاع معاهده** : در متن معاهده مسئله زبان مسئله مهمی است زیرا در تفسیر آن نقش مهمی را ایفا می کند. پس اگر یک زبان واحد نباشد مشکلی پیش نمی آید. مشکل زمانی ایجاد می شود که چند زبان در میان باشد. حال اگر چند زبان در میان باشد یکی را ارجح قرار می دهد تا در صورت مشکل به آن مراجعه کنند اما اگر چند زبان باشد باید بر هر یکی از این صورت باعدت بود مشکل می شود.

ساختار یافت معاهده : مقدمه / متن / ضمیمه

مقدمه : در مقدمه ارجح اهداف و شرایط کشورها توضیح داده می شود و ارجح به مسائل کشورهای عضو. (مقدمه الزام آور نیست)

متن [بدنه اصلی معاهده] : مجموعه عناصر الزام آور که مستقل بر مواد اصلی، میورد

تفسیرها است (متن الزام آور است)

ضمائم و تصاویر، نقشه ها و... (ضمائم الزام آور است) ضمائم جزئیات منفک معاهده است زیرا در تفسیر معاهدات می تواند کمک کننده باشند.

پذیرش و امضاء معاهده : برای پذیرش و امضاء باید ۲ عملیات مستقل انجام شود

- ۱) تأیید متن : به معنی هائمه مذاکرات و پذیرش اولیه متن معاهده است
- ۲) تصدیق اعتبار متن : به معنی قطعیت یافتن متن نگاشته شده توسط مذاکره کنندگان

نکته:

در معاهدات دو جانبه باید امضاء پذیرش و تصدیق معاهده متن انجام می شود اما در

معاهدات چند جانبه پیچیده تر است .

امضاء : امضاء معاهده برعهده می نمایندگان تام الاختیار است .

آیا امضاء اثر حقوقی دارد ؟ در موافقت نامه ساده و اجرایی امضاء اثر حقوقی دارد یعنی هم به معنای تأیید و هم به معنای تصدیق و تصویب متن است .

امداد موافقت نامه های قانون ساز یا عام امضاء اثر حقوقی ندارد یعنی بقره ای را برای کشور ای دیگر نمی گذرد مسئولیت بین المللی ندارد .

نکته :

اگر نمایندگی که در مذاکرات شرکت داشته اختیار امضاء معاهده را نداشته باشد و یا به عبارت دیگر کشورها به نمایندگان خود چنین اختیاری را ن داده باشند و یا اینکه نمایندگان در قبول قطعی معاهده دچار شک و تردید شوند قبل از امضاء معاهده آن را پاراف (امضاء موقت) می کنند . بن امضاء و پاراف نباید سبب از چند هفته طول بکشد .

(۳) تصویب معاهده : معاهده تنها با عمل تصویب قدرت حقوقی می یابد یعنی تا قبل از تصویب فقط اثر سیاسی دارد .

تصویب عمل حقوقی یک جانبه ای است که موقوف بر امضاء است و براساس آن مقامات عالی یک کشور که طبق حقوق عمومی داخلی (قانون اساسی) دارای صلاحیت انعقاد معاهدات بین المللی هستند معاهده می نهید و امضاء کرده توسط نمایندگان تام الاختیارشان را تأیید و تصدیق نموده و ب لازم الاجرا کردن معاهده رضایت می دهند و رسماً به نام کشور متبوع خود جهت اجرای آن در مقابل سایر کشورها متعهد و ملتزم می شوند . معاهداتی که از تصویب می نیاز هستند :

- ۱) موافقت نامه های ساده و اجرایی (امضاء به منزله تصویب است) .
 - ۲) معاهداتی که طرفین توافق می کنند که به محض امضاء اثر حقوقی پیدا کنند .
- ویژگی تصویب :** اراده و اختیار است که از این اختیار بدون مگره نتیجه بوجود می آید .
- ۱) نامعین بودن مهلت تصویب
 - ۲) امکان تصویب مشروط
 - ۳) مشروطیت خود داری از تصویب

تصویب ناقص یا بی قاعده :

اگر معاهده روند تصویب داخلی را طی نکرده باشد آن تصویب ناقص گویند .

اعتبار و آثار حقوق تصویب ناقص :

مستطور از آثار مسئولیت و نفوذ بین المللی است .

بنشین نظری ← (۱) اعتبار مطلق تصویب ناقص و معاهده ای که به طور بی قاعده تصویب شده

باشد از نظر بین المللی معتبر باشد و عدم رعایت و محدودیت های حقوق داخلی حتی قانون اساسی بر اعتبار بین المللی آن تأثیر ندارد .

(۲) بی اعتباری مطلق : معاهده ای که به طور ناقص یا بی قاعده تصویب شده کاملاً بی اعتبار است .

(۳) بی اعتباری مشروط تصویب ناقص : معاهده ای که به طور ناقص تصویب شده باشد از اعتبار حقوق لازم برخوردار است مگر آنکه محل به آن معاهده تنقیح نقض

اشکال قانون اساسی باشد که در این صورت معاهده فاقد اعتبار خواهد بود .

(۴) اعتبار تصویب ناقص با الهام از نظریه بین المللی و این نظریه با الهام از نظریه مسئولیت بین المللی هرگونه نفوذ داخلی و حتی قانون اساسی را برای اعمال حقوق بین المللی مردود می داند در نتیجه معاهده ای که به طور ناقص یا بی قاعده تصویب شده باشد باید از حیث بین المللی معتبر تلقی شود .

بنشین عملی ← (۱) رفتار عمومی کشورها : بر اساس بی اعتباری تصویب ناقص است .

(۲) رویه قضایی بین المللی (آراء محاکم بین المللی) و بر اساس اعتبار مطلق تصویب ناقص عمل کرده است .

(۳) دیوگاه عهدنامه حقوق معاهدات و بر اساس اعتبار مطلق و بی اعتباری مشروط یعنی

هیچ کشوری یا سازمان بین المللی نمی تواند با تکیه بر این واقعیت که رضائیت و التزام در قبال معاهده این در نتیجه نقض مقررات داخلی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات صورت گرفته و رضائیت

را معلول ساقط استناد و بی اعتباری آن معاهده را اعلام نماید تا در اجراء آن کوتاهی نکند (الهام گرفته شده از نظریه اعتبار مطلق) مگر آنکه نقض مذکور آشکار بوده و بی یک قاعده مهم بنیادین حقوق

داخلی مربوط باشد (الهام گرفته شده از نظریه بی اعتباری مشروط) در این صورت ارجای بطلان چنین معاهده این صعب خواهد بود .

مبادله و تودیع اسناد:

باید اسناد بین کشورها رد و بدل شود و تمام کشورها باید این اسناد را به مقدار بقیه چاپ و به آنها بدهند مثلاً اگر کشور باشد باید به تکرار آنها داده شود.
به دلیل امکان زیاد بودن سندها و طرفهای معاهده نرادنی تکلیف شده به نام امین و امین است که کار مبادله را انجام می دهد. امین ممکن است یک شخص باشد مثل دبیرکل و یا ممکن است یک کشور باشد.

نکته:

مبادله یا تودیع در معنی است از مراحل انعقاد معاهده است به شکل رضایت در مقابل التزام به معاهده نیز می باشد.

نکته:

امین بین از اصول اسناد تصویب شده نخبه این اجتهت اصلاح سایر طرفهای عضو به آنها ابلاغ می کنند.

وظایف امین:

- ۱) حفظ اسناد و مدارک مربوط به معاهده
- ۲) اصلاح راسخ در مورد معاهده
- ۳) درخواست ثبت معاهده در دبیرخانه سازمان ملل

زمان اجرای سند معاهده:

الف - معاهدات دو جانبه و معمولاً در معاهدات دو جانبه جهت اجرای شدن آن یکی از زمانهای زیر انتخاب می شود:

- ۱) از تاریخ مبادله اسناد تصویب شده
- ۲) از تاریخ تنظیم صورت جلسه در تأیید مبادله اسناد تصویب شده
- ۳) از تاریخ ابلاغ در بین سندها تصویب
- ۴) از تاریخ انقضاء مدتی پس از مبادله اسناد تصویب شده.

در صورت سکوت معاهده تاریخ اعلام رضایت کلیه طرف های معاهده ملاک است که معمولاً زمانی است که آخرین طرف معاهده رضایت خود را به التزام معاهده اعلام می نماید.

ب - چند جانبه: ← قرارداد است و تصویب کلیه طرفهای معاهد شرط ضروری اجرای شدن معاهده است.

← قانون ساز: در یکی از مواد پایانی پیش بینی می شود که اگر تعداد معینی از کشورها یا سازمانها همه آنها، این معاهده را تصویب کنند این معاهده اجرایی می شود.

اجرای موثقت معااهده :

از زمان امضاء اوليه تا زمان تصويب است .
امكان اجرا از زمان پذيرش اوليه متن تا زمان اجراي كردن به صورت جزئي و كلي امکان دارد
به شرطى كه در معااهده شين بنه رده باشد يا طرفها به نوعى توافق كرده باشند
نكته :

براي توقف اجراي موثقت بايد به ساير طرف ها اطلاع دهند .

تبت و استنار معااهدات :

كشورها بايد معااهدات خود را به يك قانون داخلي تبديل كنند اما براي اينكه معااهده
جنبه ي رسمي پيدا كند در روزنامه ي رسمي اطلاع داده مي شود و اين روزنامه در حكم قانون است .
در حقوق بين الملل اين امر متفاوت است :
معمولاً توسط يكى از اعضاى سازمان ملل منعقد مي شود و بايد در دفترخانه تبت كرد و در سركل موظف
است كشورهاي عضو را مطلع كند .
نكته :

تا وقتي كه معااهده تبت نشده كس از اعضاى معااهده نفر تواند اين معااهده را مستند قانوني خود
قرار دهد .

حق شرط : هر كشور يا سازمانى كه مایل به التزام در مقابل معااهده اي باشد كه موضوع هدف
و محتوای آن را در كل برای خود مناسب بيند اما برضه از مقررات آن را نامناسب
بپندارد حق انتخاب بيان در رفتار را دارد .

الف) خود داری از طرف معااهده واقع شدن

ب) التزام در مقابل چنين معااهده اي اما اعلام نبايد كه خواستار استناد
كردن تعهد خود نسبت به مقرراتي است كه آنها را مطابق با ميل و
رضائيتش نمي دانند و يا اينكه قصد دارد به آن مقررات معنای خاص و قابل
قبولتي ببيند .

دو هدف براي مسر و عسرت حق شرط :

۱- نزدكتر ملت ها از طريق گسترش طرفهاى معااهده

۲. یک نواخت سازی حقوق

تعریف حق شرط:

حق شرط به اعلامیه‌ی یک جانبه‌ی ای گفته می‌شود که هر کشور یا سازمان بین المللی تحت هر نام و هر عبارت به هنگام امضاء، تصویب، قبولی، تصدیق، معاهده، تأیید رسمی یا زمان احاق به معاهده یا در زمان صدور اعلامیه‌ی جانبی کشورها بر معاهدات صادر می‌کند و بر سبب آن متعلق خود را در خصوص استناد کردن یا تغییر دادن اثر حقوقی به فرض از مقررات آن معاهده در مورد اجرائی همان معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد.

و ترکیب حق شرط بر انواع معاهدات:

۱. حق شرط باید صریح، روشن، مشخص و منجز باشد.
۲. امکان حق شرط متشکک از سوی تعدادی کشورها و سازمانهای بین المللی وجود دارد.
۳. حق شرط با اعلامیه‌ی تفسیری یکی نیست.
۴. حق شرط در پذیرش معاهدات قانون ساز دو جانبه و معاهدات قراردادی دو جانبه اثر ندارد.
۵. حق شرط بر معاهدات قانون سازی که قواعد آمره در آن وجود دارد محل اثر است.

نکته:

۱. آیا ذکر حق شرط در معاهده ضرورت دارد؟
خیر، در صورتی که معاهده سکوت کند طرف‌ها از آزادی کامل از حق شرط برخوردار هستند.
۲. جنبه‌ی حق شرط در معاهده منع شده باشد دیگر نمی‌توان در پذیرش آن معاهده حق شرط قائل شد.
۳. در برخی از معاهدات حق شرط در پذیرش مواد معینی مجاز نیست.
۴. اعتبار حق شرط با هدف و موضوع معاهده بستگی تام دارد و برای همین نباید با هدف و موضوع معاهده مغایر باشد.
۵. در مورد معاهده مؤسس یک سازمان بین المللی قائل شدن به حق شرط از طرف یکی از اعضا باید به تصویب رکن صلاحیت دار آن سازمان برسد.
۶. پذیرش حق شرط یک طرف از سوی طرف دیگر معاهده، هر دو طرف را از زمان لازم الاجرا شدن معاهده در مقابل یکدیگر ملتزم و مستعد می‌کند.
۷. اگر حق شرط یک طرف مورد اعتراض طرف دیگر واقع شود، حق شرط اثر خود را از دست نمی‌دهد و اعتراض مانع لازم الاجرا شدن معاهده نمی‌گردد مگر آنکه طرف معترض صریحاً مخالفت

خود را به لازم الاجرا شدن کل معاهده در روابط فی مابین اعلام نماید.

۸ - مهلت اعتراض ۱۳ ماهه از تاریخ اطلاع از حق شرط یا تا زمان رضایت به التزام در مقابل معاهده است.

۹ - حق شرط و اعتراض به حق شرط را می توان در هر زمان با رعایت تشریفات خواست پس گرفت.

آثار معاهدات:

الف) نسبت به اطراف معاهده (حکومت):

قوه مجریه: به عنوان رکن مهم حکومت باید از طریق نهاد های دولتی

قوه مقننه: باید بر مبنای قانونی بر این قابلیت اجرا یمن بهتر معاهدات در داخل را انجام میدهد:

۱ - تصویب قوانین جدید ۲ - نفع قوانین موجود ۳ - اصلاح و تجدید نظر در قوانین موجود

۴ - گشایش اعتبارات لازم مالی مثل تصویب حق عضویت در سازمان های بین المللی

قوه قضائیه: مقامات قضایی در دادگاه ها و دادسراها موظف به تطاعت و حل افتدات

هستند که معاهدات بین المللی منتهی آن را می دانند چرا که آنها باید معاهدات

بین المللی را مد نظر خود قرار دهند و در صورت لزوم مستند احکام خود سازند مثل

دعای بیگانه گان - صلاحیت بیگانه

البته مقامات قضایی هیچ کسوری که دعای بیگانه گان را افتدات کشورها و سازمان های

بین المللی در مقابل یکدیگر را ندارند.

ب) نسبت به اشخاص عادی:

حقوق و تکالیف برای اشخاص عادی ایجاد می کند.

ج) نسبت به اشخاص ثالث:

اصلی نبی بودن معاهدات ← معاهده تنها نسبت به طرف های خود التزام ایجاد می کند

مفهوم مخالف: معاهده نمی تواند بدون رضایت ثالث برای اشخاص

تکالیفی ایجاد کند.

استثنائات اهل نیت بودن معاهدات :

ثالث در معاهدات دو جانبه هر سازمان یا کشور غیر از طرفهای معاهده است .
ثالث در معاهدات چند جانبه هر کشور یا سازمان است که حق دارد طرف معاهده واقع شود
اما هنوز از این اختیار استفاده نکرده است .

۱) معاهده ای موجود حق برای ثالث است ؛ طرفهای معاهده می توانند ثالث را از مقررات معاهده
منافع کند به شرطی که عقد آنرا اعطای چنین حقی به ثالث باشد و ثالث با این عمل آنها
موافق باشد و این موافقت را رسماً اعلام کند و یا مخالفت نکند .

نکته :

کشور یا سازمان ثالث که حق به نفع خود اعمال می کند باید شرایط پیش بینی شده در
معاهده را بپذیرد .

الف) حق ثالث امکان پذیر است خصوصاً بدون رضایت ثالث امکان پذیر نیست .
۲) معاهده ای موجود تکلیف برای ثالث است ؛ مقررات معاهده می تواند ثالث را مکلف کند
مگر الف) عقد طرفهای معاهده چنین باشد ب) ثالث نیز کتباً و صریحاً انجام
چنین تعهدی را بپذیرد .

۳) معاهدات دارای آثار بر اثر ثالث طبق سازگار خاص :

الف) معاهدات متضمن قید الحاق ، یعنی در خود معاهده ملحق شدن طرفهای ثالث
پیش بینی شده است . این الحاق ممکن است باز باشد مثل منشور و گاهی بسته است
و بر روی برخی از کشورها باز است مثل اتحادیه ای عرب . در هر دو صورت
ممكن است دارای شرایط باشد و یا شرایط نداشته باشد .

ب) معاهدات متضمن قید کامل الحاق الوداد . مثلاً کشور الف با سه کشور ب ، ج ، د
تعهد می بندد ، بعد از آن می رود با کشور گ تعهدی می بندد که در آن تعهد وجود
دارد که در تعهد اولش نبوده است در این جا این بند به صورت خود کار در تعهد
اولش ابراه می شود .

ج) معاهدات قانون ساز یا عام ؛ یعنی تعهد به نفع یا ضرر ثالث تنها با رضایت صریح
یا ضمنی او مؤثر است اما قواعد عرض بین المللی وجود دارد که بموجب آن برخی از
معاهدات بدون رضایت ثالث نسبت به او مؤثر است . این معاهدات به دو

صورت مستند:

- ۱- معاهدات تدوین شده یا در قالب عرف و مثل ایند بنام سفرا شده شوند
- ۲- معاهدات موجد وضعیاتی عینین : معاهدات مستند قانون ساز که وضعیت های مشخص و عینین را ایجاد می کنند که آثارش با دوام را در مدتی طولانی به بار می آورد مثل معاهدات آب راه های بین المللی.